



تاریخ و فرهنگ قزاقستان در گفت و گو با دکتر غالبه قمبر بیگوا

آقای جعفری مذهب: خانم قمبر بیگوا ضمن تشکر از قبول این دعوت لطفاً بفرمایید که در قزاقستان راجع به ایرانیان چه تصویری وجود دارد؟ زیرا در ایران معمولاً قزاق‌ها را با کزاک‌ها اشتباه می‌گیرند و وقتی راجع به قزاق‌ها صحبت می‌شود ذهن‌ها به زمان ناصرالدین شاه برمی‌گردد که وی در سفر خود به روسیه از تزار خواست در تشکیل یک ارتش کوچک به او کمک کند و تزار هم بریگاد قزاق خود را به شاه نشان داد و وقتی وی به ایران برگشت بریگاد قزاق را تشکیل داد هر چند که در آن حتی یک نفر قزاق یا قرقیز و یا اوغور نبود ولی در عوض از روسیه و لهستان و ارمنیان افرادی بودند.

پس از انقراض قاجار و سپس تقریباً همزمان با آن سقوط تزارها در روسیه و به دنبال آن اضمحلال بریگاد کزاک‌های ذن، در ایران، «جمهوری قزاقستان» متولد شد و در ایران تقریباً این تغییرات خیلی به چشم نیامد و ما متوجه فرق بین قزاق‌های آن زمان و قزاقستان تازه متولد، نشدیم و باز همان طور که می‌دانیم قزاقستان بخشنامه‌ای را به دنیا و به خصوص ایران صادر نمود و در آن خواست که کشور قزاقستان را کازاخستان بنامند و این مطلب را هنوز حتی محققین ما نمی‌دانند که قزاقستانی‌ها را باید کازاخ بنامند. حال سؤال من این است که در قزاقستان متوجه وجود این طرز تفکر دوگانه نسبت به قزاق‌ها هستند یا خیر؟

دکتر قمبر بیگوا: بله در قزاقستان ما متوجه این نکته شدیم ولی این آگاهی ما دیر بود و تنها وقتی صورت گرفت که ما مستقل شدیم. پروفیسور رستمف سال ۱۹۹۲ برای نخستین بار چند دانشجوی قزاق را به ایران آورد تا دوره تکمیلی زبان و ادبیات فارسی را در مؤسسه

تاریخ و فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

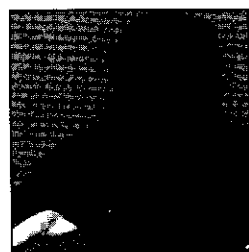
آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان

آشنایی با فرهنگ قزاقستان



جعفری مذهب:
در ایران معمولاً قزاق‌ها را با کزاک‌ها اشتباه می‌گیرند و وقتی راجع به قزاق‌ها صحبت می‌شود ذهن‌ها به زمان ناصرالدین شاه برمی‌گردد که وی در سفر خود به روسیه از تزار خواست در تشکیل یک ارتش کوچک به او کمک کند و تزار هم بریگاد قزاق خود را به شاه نشان داد و وقتی وی به ایران برگشت بریگاد قزاق را تشکیل داد هر چند که در آن حتی یک نفر قزاق یا قرقیز و یا اویغور نبود ولی در عوض از روسیه و لهستان و ارمنیان افرادی بودند

دهخدا سپری نمایند. خود ایشان در نوشته‌های خود، بسیار از برخورد مردم ایران با قزاق‌ها متعجب شده و اظهار شگفتی کرده بودند چون در یکی از برخوردهایی که ایشان داشتند وقتی یک ایرانی فهمیده بود که ایشان قزاق هستند گفته بود شما آدمکش هستید. با توجه به وجود چنین ذهنیتی، ایشان به دانشجویان خود تأکید می‌کردند که بدون آموختن تاریخ قزاق‌ها به ایران نروند و در صورت برخوردهایی این چنین تعجب نکنند چون حتماً مردم ایران از کازاک‌ها خاطره بدی دارند که هنوز ذهنیتشان نسبت به کازاک‌ها تغییر نکرده است. متأسفانه پس از آن که در شوروی سابق درها بسته شد ما امکان این را نداشتیم که خود را به عنوان یک قوم از اقوام آسیای مرکزی که ترک زبان و مسلمان هستند معرفی نماییم و ما فقط از طریق زبان روسی می‌توانستیم خود را به عنوان یکی از اقوام سابق شوروی معرفی کنیم. کازاک‌ها دوره‌ها هستند یعنی از طرف مادری نژادشان به اسلاوها می‌رسد و از طرف پدری ترک هستند اینها در اسب سواری و مهارت‌های جنگی بی‌نظیر هستند و از نظر ظاهر هم با قزاق‌ها تفاوت‌های زیادی دارند ولی وقتی ما راجع به کازاک‌ها صحبت می‌کنیم ناگزیر قزاق‌ها کنار می‌مانند این موضوع در قزاقستان حل شده است و این به ۷۰ سال قبل برمی‌گردد. در زمان شوروی سیستم آموزش عالی قوی بود و ما توانستیم بی‌سواد و فقر اطلاعاتی خود را برطرف کنیم.

دکتر صالحی: در دوران شوروی به علت وجود «پرده آهنین» اغلب کشورهای اسلامی راجع به جمهوری‌های مسلمان نشین آگاهی چندانی نداشتند. اما با فروپاشی شوروی که منجر به شکل‌گیری کشورهای مستقل در آسیای مرکزی و قفقاز شد، یکباره تمام توجه‌ها معطوف به شناخت این کشورها شد. قزاقستان که بزرگترین کشور آسیای مرکزی است از دید من مثل بقیه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز هنوز در ایران ناشناخته است. این امر از شمار اندک آثار تحقیقی اعم از تألیف و ترجمه که در باب این کشورها در ایران در یک دهه اخیر انتشار یافته کاملاً مشهود است. در این مجال اندک هر چند امکان طرح بحث تفصیلی نیست اما لطفاً راجع به قزاقستان، قزاق‌ها، فرهنگ و زبان و قومیت آن‌ها توضیحاتی بفرمایید؟

دکتر قمبر بیگوا: من حدود شش سال و اندی است که در ایران به سر می‌برم و همیشه قبل از آمدن به ایران تصور من از ایران کشور شاعران بود و همیشه ایران را مثل یک باغ بزرگ و زیبا می‌دانستم و امروز پس از شش سال می‌بینم که تصورات من دور از واقعیت نبوده است. در مورد قزاقستان باید بگویم که کشوری وسیع و شرقی با جغرافیایی سرد و جمعیتی نسبتاً اندک است که از نظر وسعت دو برابر ایران ولی از نظر جمعیت از ایران کم جمعیت‌تر است. از نظر آب و هوایی، سرد است و برخی جاها ۶ یا ۷ ماه در سال زمستان وجود دارد. همسایگان بزرگی چون چین و روسیه دارد و در میان کشورهای آسیای مرکزی از جمله کشورهای جذاب و جالب توجه است. مردم قزاق کوچ‌نشین بودند و همان‌طور که می‌دانید اقوام مختلف دنیا مثل

آریایی‌ها ابتدا کوچ می‌کردند و در نهایت پس از آغاز زندگی یکجانشینی امپراتوری‌های بزرگی را تشکیل دادند. در یک مدت زمانی ما کمتر از مردم کوچ‌نشین قزاق مطلع هستیم و اگر بخواهیم راجع به قزاق‌ها مطالعه کنیم بهتر است که ابتدا به منابع چینی مراجعه کنیم و این قبل از مراجعه به منابع فارسی و عربی و منابع دوره اسلامی است ما تاریخ قبل از اسلام خود را بیشتر با تکیه بر اسناد و مدارک تاریخی موجود در چین نوشتیم و برای تحقیق راجع به قزاق‌ها پس از ورود اسلام بهتر است اول به منابع عربی و سپس منابع فارسی مراجعه نماییم ولی از قرن ۱۱ و ۱۲ میلادی منابع فارسی از منابع عربی بیشتر می‌شود. ما حتی در شاهنامه فردوسی نیز کلمه قزاق را به عنوان یک قوم داریم. در حالی که در آسیای مرکزی کلمه تورانی را فقط در داستان‌های کهن داریم. مردم آسیای مرکزی و قزاق‌ها، خود را تورانی نمی‌دانند و همیشه از خود تحت عنوان مردم ترکستان بزرگ یاد می‌کنند.

ترکستان بزرگی داشتیم که بعداً به دو قسمت تجزیه شد. ترکستان بزرگ از دیوار چین تا رود دانوب را دربر می‌گیرد که قسمتی از آن به مرور زمان در چین مانده است به خصوص قسمت کاشغر که رفته رفته چینی شده است و آن قسمت ترکستان را ترکستان شرقی می‌نامند. اما ترکستان قسمت غربی رفته رفته به کشورهای مختلف ترک زبان تبدیل شده است که یک قسمتش در غرب دریای خزر مانده و قسمت دیگرش در شرق دریای خزر واقع شد.

اکثر محققان ما تحقیقات خود را از ترکستان شرقی شروع کردند چون از نظر جغرافیایی شرقی‌تر از ما هستند. یکی از شرق‌شناسان معروف قزاق شوقان ولی خانفاست که از خاندان اشرافی آبلای خان بود. وی که نام اصلی‌اش محمد حنفی بود حدود ۳۰ سال یعنی از ۱۸۳۵ تا ۱۸۶۵ میلادی عمر نموده و از این جهت ملقب به شوقان شد که همیشه به نشستن و مطالعه کردن علاقه خاصی داشت. در مدت عمر کوتاه خود بارها به کاشغر و ترکستان شرقی سفر کرد و راجع به آداب و رسوم مردم اویغور و قزاق‌ها و ادبیات شفاهی آن‌ها مطالعه نمود و حاصل تحقیقات خود را به زبان روسی چاپ کرد. وی علاوه بر تسلط بر زبان قزاق و اویغوری و کل لهجه‌های ترکی، به زبان‌های روسی و چینی هم تسلط داشت. به هر حال وی نخستین کسی است که آداب و رسوم مردم اویغور و ترکستان شرقی و هم چنین قزاق‌ها را به زبان روسی چاپ نموده است. وی در دنیا معروف و از شرق‌شناسان برجسته است. وی کاشغر را به راستی به محققان و به دنیا معرفی نمود و از این جهت دنیا مدیون وی است. او کتاب‌های متعدد و مقالات بسیار خوبی نوشت که یکی از آن‌ها جمع‌آوری و تألیف «ماناس» یعنی داستان حماسی مردم قرقیز بود که امروزه در قرقیزستان بسیار مورد توجه است. وی این داستان حماسی را پس از جمع‌آوری به زبان روسی چاپ نمود و پس از مدتی مختار آوازاخان را ادامه داد و مردم قرقیز به این دلیل مدیون این دو شرق‌شناس



معروف هستند.

اینجا لهجه‌های مختلف زبان ترکی وجود دارد که آمیختگی پیدا کرده است. کتاب دیوان حکمت خواجه احمد یسوی همه به زبان جغتایی نوشته شده است و قزاق‌ها این کتاب را چون اصطلاحات رایج در زبان قزاق‌ها در آن بسیار به کار رفته است، یکی از اولین آثار ادبی و دینی خود می‌دانند. این زبان تغییرات زیادی را به خود دیده است ولی اصول زبان ترکی را حفظ کرده است. لغات عربی و فارسی هم در آن نسبتاً زیاد است.

دکتر صالحی: وجوه تشابه و تفاوت زبان قزاقی با دیگر زبان‌های ترکی که در سایر نقاط آسیای مرکزی رایج است چیست؟ و از نظر قومی قزاق‌ها با ترک‌های دیگر چه تفاوتی دارند؟ و اصولاً قزاقستان در آسیای مرکزی چه جایگاهی دارد؟

دکتر قمبر بیگوا: قوم قزاق به عنوان یکی از اقوام ترک زبان پس از قرون ۱۰ و ۱۱ میلادی مطرح می‌شود و تا قبل از آن به عنوان امپراتوری ترک خاقانی معروف بوده است. این کلمه به معنی خاقان ترک است و از قبایل اصیل قزاق‌ها می‌توان به این قبایل اشاره نمود: قانقلی، نایمن، ارغون، کری، قبیچاق، اوسین و آدای و غیره این قبایل قبلاً در امپراتوری قراخانیان و سپس مغولان و تیموریان بودند و هر گاه حکومت قدرتمندی تشکیل می‌شده است اینها هم جزئی اصلی از این حکومت‌ها می‌شدند. یعنی نقش این قبایل در تشکیل حکومت‌های قدرتمند بسیار مهم بوده است.

اواخر قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶ میلادی قزاق‌ها از اولوس ازبک جدا شدند در صورتی که از نظر فرهنگی و زبانی و آداب و رسوم با یکدیگر تفاوت‌های زیادی نداشتند. پس از این جدایی به ارزش‌های قبیلگی خود نزدیک‌تر شدند.

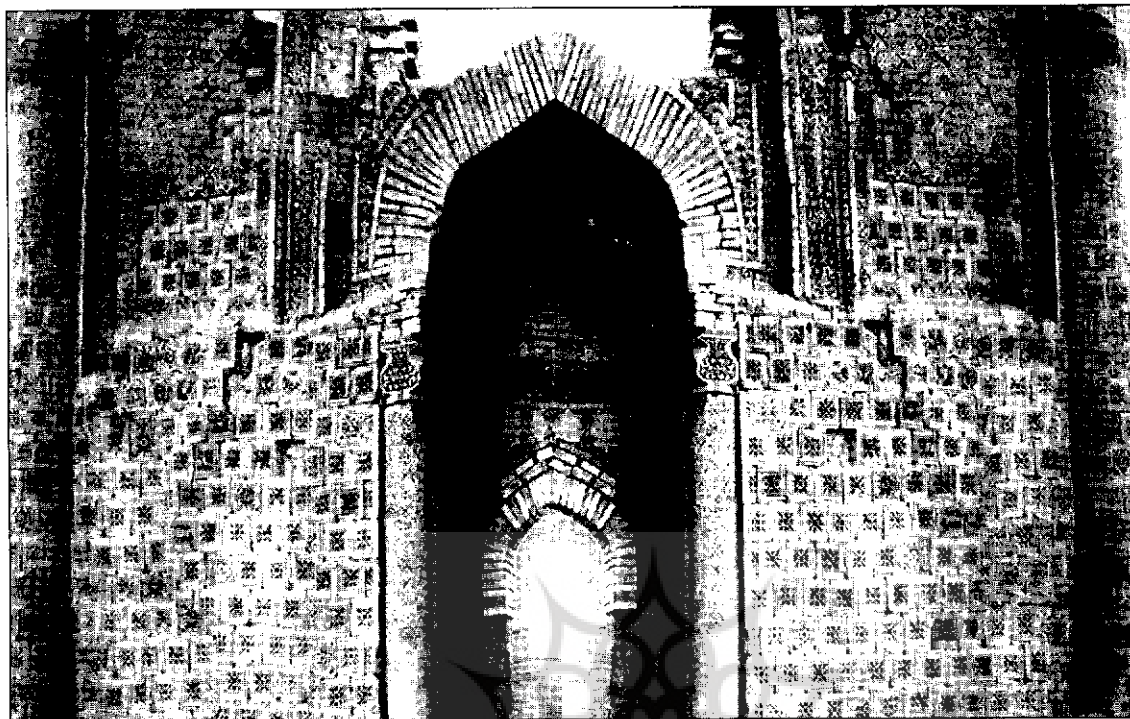
آقای جعفری مذهب: آیا قزاق‌ها با خانان خزر ارتباط داشتند؟
دکتر قمبر بیگوا: بله. با خانان خزر ارتباط داشتند اما زبان

دکتر صالحی: مهم‌ترین کتابی که در ایران راجع به ترکستان چاپ شده ترکستان نامه، اثر بارتولد روسی است که در زمان شوروی نوشته شده و در همان زمان نیز در ایران ترجمه و چاپ شده است. از دید شما که یک محقق قزاق هستید، حد و حدود ترکستان شرقی و غربی کجاست؟ مسأله بعدی این که قومیت قزاق‌ها و نسبت آن‌ها با دیگر اقوام ترک چگونه است؟

دکتر قمبر بیگوا: همان‌طور که گفتیم در ترکستان بزرگ از دیوار چین تا رود دانوب ترک‌نشین‌های در حال کوچ و قزاق‌ها بودند. یک شاخه از این اقوام ترک‌نشین که در ترکستان شرقی بودند شامل قزاق‌ها، فرقی‌ها و ایغورها بودند که تا حدی از یک‌ها را هم می‌توان جزو این شاخه دانست. این‌ها از نظر فرهنگی مشابهت‌های زیادی دارند و زبان ترکی آن‌ها اصیل است و خط اویغوری دارند و بر اساس تحقیقات پروفسور مالف (Malov) زبان آن‌ها اصیل و با خط عربی است که از قرن ۱۰ م معروف بوده. اما قبل از خط عربی به خط کهن ترکی می‌نوشتند که هنوز نمونه‌های آن را می‌توانیم مشاهده بکنیم. اگر بخواهیم راجع به ترکستان غربی صحبت کنیم باید قوم تاتار، باشغور و ترکمن‌ها (اوغوزها) و سپس ترک‌های آذری و ترک‌های آناتولی را جزو اقوام ترک این منطقه به حساب بیاوریم. این شاخه غربی ترک‌ها تا قلب اروپا رفتند و به تدریج با اقوام بومی آمیزش پیدا کردند و در زبان آن‌ها تغییراتی رخ داد، به همین دلیل اصالت زبانی کمتری نسبت به اقوام ترک ترکستان شرقی هستند. به زبان ترکی این اقوام ترک در ترکستان غربی زبان جغتایی یا درباری هم می‌گویند.

چون چنگیزخان آسیای مرکزی را به پسر خود جغتای داد در دربارهای منطقه به زبان ترکی که رایج بود ترکی جغتایی می‌گفتند. در

▼ آرامگاه عایشه بی بی، شهر طراز، قزاقستان



و یا لهجه می‌توان آن‌ها را تشخیص داد. ترکی استانبولی از معروفترین و شیرین‌ترین لهجه‌های ترکی امروزی است.

دکتر صالحی: خوب است به دو مسئله نیز راجع به ترکی قزاقی اشاره شود یکی این که یک نفر قزاق با کدام یک از اقوام ترک زبان صحبت کند راحت‌تر زبان آن‌ها را می‌فهمد؟ و دیگر این که زبان ترکی قزاقی تا چه حد تحت تأثیر دیگر زبان‌ها از جمله فارسی و روسی قرار گرفته است؟

دکتر قمبر بیگوا: با همه آن‌ها که صحبت کنیم می‌فهمیم ولی بیشتر با ازبک‌ها و قرقیزها و سپس اوغورها از نظر لهجه و تلفظ نزدیک هستیم و اصطلاحات آن‌ها برایمان قابل فهم‌تر است.

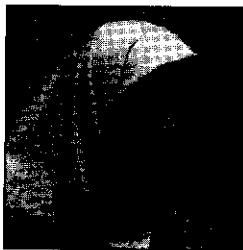
زبان‌های ترکی از تأثیر زبان‌های فارسی و عربی به دور نبودند و اینها هر کدام تأثیراتی داشتند منتهی هیچ کدام به تنهایی دارای تأثیر چشمگیری نبودند. وقتی دین اسلام وارد قزاقستان و آسیای مرکزی شد و مردم ترک زبان آسیای مرکزی اسلام آوردند همزمان با زبان عربی، زبان فارسی هم وارد منطقه شد و تا قرن ۱۹ برخی از اقوام ترک‌زبان چون قزاق‌ها، قرقیزها و ازبک‌ها وقتی نماز می‌خواندند هنگامی که قصد نیت می‌کردند می‌گفتند «نیت کردم» و این را به عربی نمی‌گفتند چون عربی سخت بود. برخی از دعاهای آن‌ها هم به فارسی بود. می‌دانیم که ابوحنیفه اجازه داده بود که مردم در نماز به فارسی هم تکلم کنند و سختی زبان عربی را متحمل نشوند. برخی از اصطلاحات با اسلام وارد زبان قزاقی شد و قرن ۱۰ - ۹ میلادی این کمتر بود ولی وقتی دیوان حکمت خواجه احمد بسوی نوشته شد آن پر از کلمات فارسی بود و برای ترجمه آن علاوه بر عربی باید فارسی هم بدانیم. از جمله کلمات فارسی که در آن به کار رفته است گریان،

قزاق‌ها به قرقیزی شباهت زیادی دارد و شبیه زبان اوغوری نیز هست. فقط اصطلاحات آن‌ها را با تلفظی متفاوت به کار می‌برند. ترک‌زبانان سیبری هم به زبان قزاق‌ها نزدیک هستند ولی لهجه‌های مردم سیبری زیاد معروف نیست. راجع به خصوصیت مردم قزاق باید عرض کنم که قزاق‌ها تفاوت زیادی با قرقیزها ندارند و اگر ازبک‌ها و ترکمن‌ها را کنار بگذاریم قرقیزها خیلی با ما تفاوت ندارند و مدت‌ها مثل دو برادر با هم زندگی کرده‌ایم.

آقای جعفری مذهب: آيا شما به عنوان یک قزاق در تاشکند می‌توانید فرق یک قرقیز، قزاق، ازبک یا تاتار را بفهمید و به راحتی آن‌ها را از هم تشخیص دهید؟

دکتر قمبر بیگوا: بله. اول تشخیص قرقیزها ممکن است چون با قزاق‌ها از نظر ظاهر تفاوت ندارند ولی از روی تلفظ برخی کلمات می‌توانیم فرق آن‌ها را با قزاق‌ها درک کنیم. ما حتی لباس ملی تقریباً یکسانی داریم که فرق آن‌ها فقط در طرح و رنگ و مسائل جزئی است. ازبک‌ها را هم به خاطر لهجه خاصی که دارند به راحتی تشخیص می‌دهیم. تاتارها هم اکثراً بور و دارای چشمانی به رنگ‌های آبی و سبز هستند و در بین آن‌ها مسیحی نیز وجود دارد. امکان ندارد که ما یک ازبک را با یک تاتار اشتباه بگیریم ولی این امکان وجود دارد که تاتارها را با قزاق‌ها و قرقیزها اشتباه بگیریم.

تشخیص ترک‌های آذری آسان است چون دارای بینی قفقازی و ریش و سبیل هستند و معمولاً دارای صداهاى بلندی هستند. ترک‌های آناتولی چون با اعراب و ایرانیان و ارمنی‌ها درهم آمیختگی پیدا کردند به راحتی نمی‌توان تشخیص داد ولی از نظر زبانی و تلفظ



قبایل اصیل قزاق‌ها می‌توان به این قبایل اشاره نمود: قانقلی، نایمن، ارغون، کری، قبیچاق، اوسین و آدای و غیره این قبایل قبلاً در امپراتوری قراخانیان و سپس مغولان و تیموریان بودند و هرگاه حکومت قدرتمندی تشکیل می‌شده است اینها هم جزئی اصلی از این حکومت‌ها می‌شدند

می‌شود. پروفیسور رستمف اعتقاد داشت که ما پنج هزار لغت فارسی در زبان قزاقی داریم ولی امروزه محققین اعلام کردند که از پنج هزار لغت بیشتر است. خانم زُرا صدیقاوا و آقای گومسیسیف در این مورد تحقیقات گسترده‌ای کرده‌اند که نتایج آن به زودی چاپ می‌شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

دکتر صالحی: جدای از مباحث مربوط به قومیت و زبان که برای شناخت قزاق‌ها مهم است، آگاهی از فرهنگ و آداب و رسوم آن‌ها نیز می‌تواند در شناساندن قزاق‌ها به ما کمک کند. لطفاً در این زمینه نیز توضیحاتی بفرمایید.

دکتر قمبر بیگوا: قزاق‌ها رسمی دارند که به آن هفت پشت می‌گویند یعنی یک قزاق تا هفت پشت حق ازدواج فامیلی را ندارد. این رسم را از یک‌ها، تاتارها و ترک‌های آذری یا آنا تولی ندارند و فقط مختص قزاق‌ها است و ریشه در گفته‌های پندآمیز دهده‌قور قود، خواجه احمد یسوی و حسن قایغی دارد. حتی آناهاریسیس، فیلسوف ترک‌زبان که در یونان معروف شد نیز به آن اشاره کرده است. این رسم دارای فلسفه عمیقی است و جنبه سیاسی نیز دارد. همان‌طور که می‌دانید قزاق‌ها کوچ‌نشین هستند و اگر ازدواج‌های فامیلی زیاد شود یک خاندان در یک محدوده ساکن می‌شوند و به این شکل نقاطی از کشور خالی از جمعیت می‌ماند. به همین دلیل یک قزاق در شرق با یک قزاق در غرب ازدواج می‌کند و به این وسیله ارتباطات آن‌ها و دو خانواده در دو سوی کشور بیشتر می‌شود. همان‌طور که می‌دانید قزاق‌ها تاریخ مکتوب زیادی ندارند و تاریخ آن‌ها شفاهی است و نسل به نسل منتقل می‌شود. این سبب تمایز ما از سایر اقوام ترک‌زبان است. در ضمن ما هیچگاه سعی نکردیم در یک نقطه - یک‌جانشین شویم و یا قصر و سرای مجلل بسازیم و بعد به دلیل هرگونه تعلق خاطر نسبت به آن‌جا با اقوام دیگر بجنگیم. به عبارت دیگر قزاق‌ها بیشتر دارای طرز تفکر اشتراکی هستند و فلسفه عمیقی دارند که همه دست جمعی و مساوی زندگی کنند و به خاطر مال دنیا احترام از دست ندهند.

ما سعی در حفظ تفکر کوچ‌نشین خود داریم و این رسم «هفت پشت» هم در راستای همین هدف بوده است. از دیگر رسوم ما که می‌توان به آن اشاره کرد برگزاری مراسم نوروز است که مثل ایرانیان همزمان با شروع فصل بهار ما نوروز را جشن می‌گیریم. با این تفاوت که ما برای نوروز غذای مخصوصی را تهیه می‌کنیم که همه مردم بدون استثناء از آن غذا می‌خورند. در جایی مثل ازبکستان و میان ازبک‌ها هم این جشن به طور وسیع و باشکوه برپا می‌شود. فقط تفاوت برگزاری جشن آن‌ها با ایرانیان در این است که ایرانیان هنگام نوروز بیشتر در خانه هستند و در کنار سفره‌های هفت سین خود می‌مانند ولی قزاق‌ها به میادین شهرها می‌آیند و در کنار یکدیگر نوروز را جشن می‌گیرند و سپس از غذای مخصوص این روز می‌خورند.

آقای جعفری مذهب: در زبان قزاقی به کوچ چه می‌گویند و آیا ارابه در

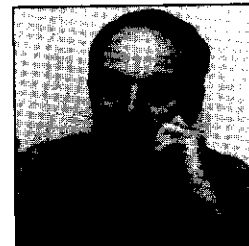
گور، کودک، قبرستان و غیره است. مدتی بعد می‌بینیم که لغت نامه‌ای به نام کادکس کومنیکوس KondeksKumanecus به سه زبان فارسی، لاتین و قبیچاقی نوشته می‌شود که بیانگر این نکته است که هر سه زبان در آن دوره رایج بوده است. برخی از قبایل قزاق از جمله قبیله کری همزمان با کادکس کومنیکوس که بیشتر قصد تبلیغ دین مسیحی را داشت ابتدا مسیحی نصرانی و سپس مسلمان می‌شوند. این قبیله دیرتر از سایر قبایل اسلام آورد.

تأثیر زبان فارسی به طور کلی از قرن ۱۰ میلادی شروع می‌شود و به تدریج در برخی از کتب از جمله حکیم آتا (Hakim Ata) اثر سلیمان بقرغانی (Suleimen Baghirgani) که شاگرد خواجه احمد یسوی بوده است لغات فارسی زیادی استفاده شده است. وی تحت تأثیر اسلام و زبان فارسی، عرفان و اسلام را یکجا مطرح می‌نماید. بدون دانستن زبان فارسی نمی‌توان این کتاب را خواند. در قرن ۱۳ میلادی گلستان سعدی به زبان ترکی ترجمه می‌شود و سیف‌سرای که شاعری درباری و مسلط به زبان عربی و فارسی بوده است آن را ترجمه می‌کند. در سال ۱۹۵۶ یک محقق بنام نجیب Najib آن را چاپ می‌کند و مختار آواراف، محقق و شرق‌شناس برجسته در آثار خود راجع به این کتاب مطلب می‌نویسد. ولی امروزه این کتاب احتیاج به تحقیق جدی دارد زیرا بسیاری از لغات ترکی که در آن به کار رفته است امروزه در زبان قزاقی کاربرد ندارد. تأثیر زبان فارسی در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی کم‌رنگ می‌شود و وقتی خان قزاق از اولوس ازبک جدا می‌شود به دلیل مشکلات سیاسی که وجود داشته است این تأثیر کم می‌شود و بیشتر کاربرد لغات عربی را می‌بینیم. در قرون ۱۸ و ۱۹ م. مکتب‌های اسلامی در قزاقستان و آسیای مرکزی و تاتارستان پا می‌گیرد و روشنفکران قزاق و تاتار مدرسه می‌سازند. در این مدارس مثل مدارس بخارا و سمرقند فارسی تدریس می‌کنند. پس به طور کلی می‌توان گفت که زبان فارسی از قرن ۱۰ تا ۱۴ م. دچار رکود نبود و تأثیرات چشمگیری را روی زبان ترکی قزاق‌ها به جا گذاشت ولی در قرون ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ م. دچار رکود شد چون قزاق‌ها درگیر جنگ‌های داخلی با جنغارها بودند. این قوم بین اقوام مغولی و ترک بودند و وقتی خانی از یک اولوس جدا می‌شد طبیعی است که مورد حمله سایر خان‌های قوی‌تر قرار می‌گرفت.

در این جنگ‌های داخلی قزاق‌ها پیروز می‌شوند ولی این بار قزاق‌ها تحت تأثیر روسیه قرار می‌گیرند چون روسیه هم رفته رفته به قزاقستان و قزاق‌ها و موقعیت آن‌ها متمایل شده بود.

تأثیر زبان روسی از قرن ۱۸ م. شروع می‌شود. پس از انقلاب اکتبر در روسیه مدارس دینی و علمی که عربی و فارسی تدریس می‌کردند تعطیل می‌شوند و زبان روسی جای این دو زبان را می‌گیرد و رشد می‌کند.

ما در دوران حکومت شوروی یک مدت فارسی را به عنوان زبان تاجیکی و دری می‌خواندیم ولی امروز به عنوان زبان فارسی آموخته



مهم‌ترین کتابی که در ایران راجع به ترکستان چاپ شده ترکستان نامه، اثر یارتولد روسی است که در زمان شوروی نوشته شده و در همان زمان نیز در ایران ترجمه و چاپ شده است

فرهنگ کوچ نشینی قزاق‌ها نقشی داشته است و آیا اصلاً کوچ به معنی ارابه نیست؟

دکتر قمبر بیگوا: کوچ یعنی جابجایی و کلمه کوچ یک کلمه ترکی است. فقط در زبان قزاقی به کوچ، کوشومی گویند و ارابه و کوچ هیچ نسبت لغوی با یکدیگر ندارند. ولی در کوچ‌هایی که قزاق‌ها می‌کردند از ارابه استفاده می‌شده است. خان به همراه خانواده‌اش سوار بر ارابه کوچ می‌کردند. قوم اصیل قنغلی در منابع چینی به عنوان ارابه‌ساز آمده است و اولین قومی بوده است که ارابه را ساخته‌اند و وارد کردند. بنابراین کلمه کوچ هم‌زمان با ارابه به کار می‌رود و این امر طبیعی است. زیرا مردم نه تنها سوار بر اسب کوچ می‌کردند بلکه از ارابه بسیار زیاد استفاده می‌کردند که ارابه نشانگر زندگی کوچ‌نشینان می‌باشد. یعنی ارابه سمبل کوچ‌نشینان است.

دکتر صالحی: اگر مایل باشید به این بحث خاتمه بدهیم و بپردازیم به مقوله مهم ایران‌شناسی و شرق‌شناسی در شوروی سابق و به ویژه میراثی که در این زمینه از شوروی سابق به قزاقستان رسیده است. در حال حاضر وضعیت دو مقوله یاد شده در قزاقستان چگونه است؟

دکتر قمبر بیگوا: قوی‌ترین انستیتوی ایران‌شناسی و شرق‌شناسی همان «موسسه ایران‌شناسی روسیه» است که قدمتی ۳۰۰ ساله دارد و به فرمان پطرکبیر ایجاد گشت. وی دستور داد که مکتب‌های شرق‌شناسی تأسیس شود و یکی از این مکتب‌ها، مکتب ایران‌شناسی و عرب‌شناسی و ترک‌شناسی بود که البته چین‌شناسی و ژاپن‌شناسی را هم در بر می‌گرفت. ما از قرن ۱۸ م. تحت تأثیر روسیه قرار گرفتیم. شوقان ولی خانف که بزرگترین شرق‌شناس قزاق‌ها بود در روسیه تحصیل کرده بود. در واقع شرق‌شناسی ما جدا از روسیه نبوده است. شرق‌شناسی در قزاقستان همیشه مطرح بوده است و اول به عنوان مرکز اویغورشناسی و ترکستان‌شناسی، شرقی‌شناسی مطرح بوده است و کم‌کم زبان‌های عربی و فارسی تدریس می‌شد و از ۱۹۹۶، انستیتو شرق‌شناسی در قزاقستان تأسیس می‌شود. خانم دکتر مروارید سید ووا رئیس انستیتوی شرق‌شناسی هستند. قبلاً یک مرکز اویغورشناسی وجود داشت و براساس آن یک مرکز شرق‌شناسی تشکیل شده بود.

در زمینه ایران‌شناسی باید بگویم که ما ایران‌شناسان خوبی چون پروفیسور رستمف را داشتیم که ایشان کرسی زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۹۹۲ در دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه الفارابی تأسیس نمودند. ایشان اولین کتاب راهنمای زبان فارسی را برای قزاق‌زبانان نوشتند. من خودم فارغ‌التحصیل دانشگاه دولتی الفارابی هستیم. کسانی که در این دانشکده قصد دارند ایران‌شناسی بخوانند یا دو گرایش روبرو هستند یکی زبان و ادبیات فارسی است و دیگری تاریخ. اگر کسی بخواهد تاریخ بخواند به سراغ این گرایش می‌رود و کسی که بخواهد ادبیات فارسی بخواند گرایش ادبیات فارسی را انتخاب می‌نماید. ولی به قول پروفیسور رستمف ادبیات

بدون دانستن تاریخ و تاریخ بدون دانستن زبان و ادبیات فارسی تکمیل نمی‌شود و زبان فارسی جز با آموختن زبان عربی و ترکی کامل نمی‌شود.

از دیگر ایران‌شناسان قزاق می‌توان به پروفیسور گمیس بایف اشاره نمود که چندسال است ریاست کرسی زبان فارسی در دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه الفارابی را به عهده دارند. ایشان کتاب تاریخ ادبیات فارسی را نوشتند و رباعیات خیام را به قزاقی ترجمه نمودند و کارهای دیگری نیز دارند. ایشان کتاب ریشه‌های عمیق را نوشتند که در مورد تأثیرات زبان فارسی در قرون ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ میلادی روی زبان قزاقی است. موضوع رساله ایشان که به چاپ هم رسیده است شاهنامه فردوسی در ادبیات قزاقی است که اثری بسیار ارزنده است. در واقع ایشان شاهنامه‌شناس معروف قزاقستان هستند. عبدالستار دربعلی، عرب‌شناس معروف قزاقستان است که اکنون مفتی قزاقستان می‌باشد. وی مؤسس دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه الفارابی است و فارابی‌شناس برجسته قزاق هستند.

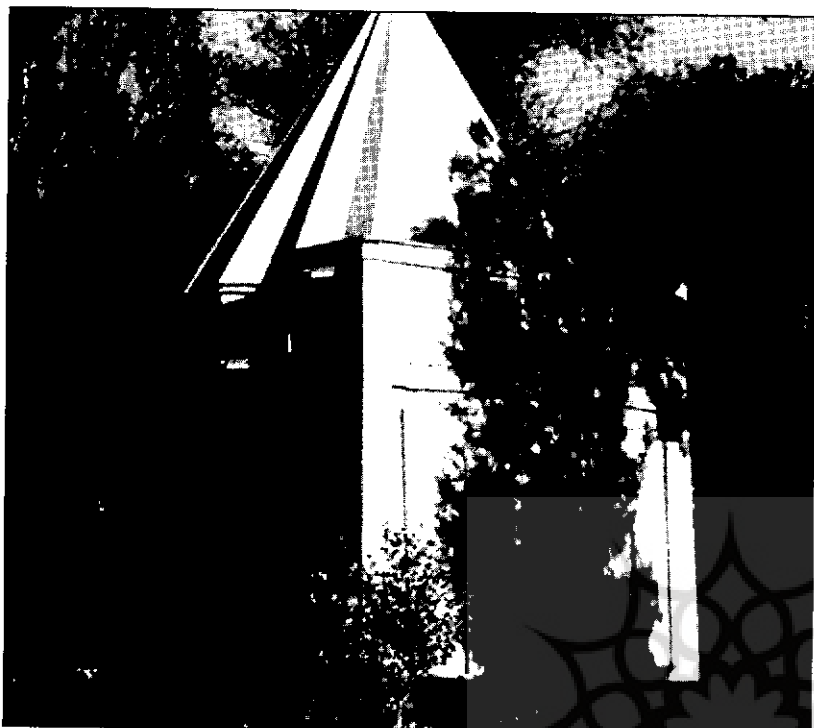
از دیگر شرق‌شناسان و ایران‌شناسان معروف خانم دکتر مروارید سید دووا، خانم دکتر بارانووا، خانم دکتر تولیبیوا، آقای تیمور بی‌سیمف و ژیف و آقای دکتر یودین، آقای دکتر اسلام جهنی و آقای دکتر صفر عبدالله و دیگران هستند.

مختار آوازوف نیز که ادامه داستان‌های ماناس را جمع کردند و کتاب راه آبی را نوشتند، در زمینه ادبیات شرقی بسیار معروف هستند. لازم است اشاره کنم که آقای نظیر تره قوفل (Toregulov Nazir) جزء اولین شرق‌شناسان قزاق است. او به زبان‌های فارسی - تاجیکی، عربی، روسی، انگلیسی و آلمانی تسلط کامل داشت. در بین سال‌های ۱۹۳۵ - ۱۹۲۸ م سفیر شوروی سابق در عربستان سعودی بودند و الفبای زبان تاجیکی را نوشتند. اما به خاطر عقاید و افکار سیاسی خود، در سال ۱۹۳۷ دستگیر شدند و بعد به قتل رسیدند. درباره نظیر تره قوفل باید بگویم که قبلاً نام وی مطرح بوده. اما گرایش وی به دین اسلام و فرهنگ اسلامی قابل توجه است. بنابراین در دوران حکومت شوروی درباره او زیاد سخن گفته نمی‌شد. وی یکی از دانشمندترین و برجسته‌ترین افراد زمان خود بودند. مقالات و یادداشت‌های او به تازگی به چاپ رسیده که هر یک حکایت از آزادیخواهی و استقلال طلبی او دارد. وی مدافع سرسخت استقلال جمهوری ترک زبان بود. او در شرق‌شناسی قزاقستان از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بود.

آقای دکتر ژیف از تحصیل‌کردگان تاشکند بودند. شرق‌شناسان تاشکند در واقع از قوی‌ترین انستیتوی آسیای مرکزی فارغ‌التحصیل می‌شدند. آلمانی هم صاحب دانشگاه خوبی است. دانشجویان معمولاً برای گذراندن دوره‌های تکمیلی به کشورهای مختلفی می‌روند.

اینکه قزاق‌ها تحت تأثیر کدامیک از مکاتب شرق‌شناسی

▼ آرامگاه باباجان خاتون، دوره قراخانیان، استان جامبول، قزاقستان



آن‌ها خواهد گشود.

دکتر قمبر بیگوا: اولین کرسی زبان و ادبیات فارسی را پروفیسور رستمف تأسیس کردند و بعد از آن در دانشگاه آلماتی که امروزه به دانشگاه آبی تغییر نام پیدا کرده است کرسی زبان فارسی داریم و بعد در دانشگاه زبان‌های خارجی جهان کرسی زبان فارسی وجود دارد. سپس در دانشگاه خواجه احمد یسوی در شهر ترکستان و در جنوب قزاقستان و در شهر آستانه و در دانشگاه گومیلف در دانشگاه دین محمد کنایف و دانشگاه محمد حیدد و غلتی در شهر «طراز» کرسی زبان و ادبیات فارسی برپا است. در دو مدرسه هم زبان فارسی برای کلاس‌های پنجم، ششم و هفتم تدریس می‌شود و اولین فارغ‌التحصیلان دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه الفارابی که دوره‌های دانش افزایی زبان فارسی را در ایران سپری کردند، مشغول تدریس هستند و قرار است در شهرهای آق توبه و آق تاو هم کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی افتتاح شود. ولی به علت کمبود استاد زبان فارسی و دوری آنها از شهرهای مرکزی فعلاً این امر میسر نشده است. به تازگی چند نفر از جمله خانم بارانبایووا Boranbayeva و نلبیبووا Nalibaeva و خانم صادقووا کتاب‌هایی برای آموزش زبان فارسی برای دانش‌آموزان تألیف کرده‌اند چون کتاب پروفیسور رستمف برای استفاده دانش‌جویان بود.

آموزش زبان فارسی در مدارس در سه مدرسه شماره ۱۳۷ و مدرسه شماره ۱۲ و مدرسه علم اجرا می‌شد و گرایش به سمت آموختن زبان فارسی بسیار بیشتر شده است و این به دلیل روانی و شیرین بودن زبان فارسی است.

روسیه بودند باید عرض کنم که قزاق‌ها منش و اخلاق و ارزش‌های ادبی و تاریخی خاص خود را دارند. دیدگاهی را که شرق‌شناسان روسیه دارند محققان قزاقی ندارند. امروز خود قزاقستان به عنوان یک کشور شرقی مورد مطالعه شرق‌شناسان دنیا است.

مردم قزاقستان هیچ‌گونه احساس دوری و بیگانگی نسبت به ایرانیان نمی‌کنند. ما از ایرانیانی که قصد دارند راجع به قزاق‌ها مطالعه کنند استقبال می‌کنیم. برای این کار لازم نیست که زبان روسی یا انگلیسی را بدانند بلکه اگر زبان قزاقی را بدانند به راحتی می‌توانند به تحقیقات خود ادامه دهند و مشکلی در این رابطه نخواهند داشت. زیرا زبان مهم‌ترین ارتباط را بین اقوام ایجاد می‌کند.

آقای جعفری مذهب: آیا این احساس نزدیکی به ایران و ایرانیان بین همه قزاق‌ها هست یا خیر فقط در قزاق‌ها جنوبی و آلماتی و یا قزاق‌های چسبیده به قرقیزستان و ازبکستان؟ آیا در قزاق‌های شمالی که نزدیک روسیه هستند هم این طرز تفکر وجود دارد یا خیر؟

دکتر قمبر بیگوا: همان‌طور که می‌دانید به دلیل سرمای زیاد در مناطق شمالی، جمعیت در آن‌جا کم است. ولی این جریان و این طرز تفکر و احساس دوستی و عدم بیگانگی قزاق‌ها نسبت به ایرانیان به سمت شمال و «آستانه»، پایتخت قزاقستان که در مناطق شمالی قرار دارد در حال پیشرفت است. مطلع هستید که شوروی سابق در نظر داشت ظرف ۷۰ سال زبان قزاق‌ها و سایر زبان‌های شوروی سابق را نابود کرده و مردم قزاق را روسی نماید. اگر دولت شوروی تا سال ۲۰۰۰ عمر می‌کرد دیگر چیزی به عنوان زبان قزاقی وجود خارجی نداشت و مردم قزاق هم به نوعی روسی می‌شدند. ولی با فروپاشی شوروی این اتفاق رخ نداد. باید به قزاق‌های شمالی حق داد که تا حدی تحت تأثیر روسیه و فرهنگ آن‌ها قرار گرفته باشند ولی با این همه در بین آن‌ها هم لغات و اصطلاحات فارسی فراوان یافت می‌شود و حتی گاهی آن‌ها اصطلاحات فارسی را به کار می‌برند که خود مردم فارس زبان امروزه آن را استفاده نمی‌کنند و در بین سایر قزاق‌ها هم رواج ندارد مثلاً مردم قزاق «فزلی آردا» به کسی که دوستشان ندارند می‌گویند مگس و این بین سایر قزاق‌های شرقی و جنوبی و غربی کاربرد چندانی ندارد. به هر حال این احساس نزدیکی و صمیمیت با ایرانیان در بین اکثر قزاق‌ها وجود دارد و در حال گسترش است.

دکتر صالحی: خانم قمبر بیگوا تا آن‌جا که من می‌دانم شما از روی علاقه رشته زبان و ادبیات فارسی را انتخاب و پنج شش سال وقت خود را صرف یادگیری این زبان کرده‌اید. به طور حتم بعد از بازگشت به کشورتان به تدریس در این رشته مشغول خواهید شد. چیزی که اشاره به آن ضروری است این‌که آموزش زبان فارسی در قزاقستان از چه پیشینه‌ای برخوردار بوده و در حال حاضر وضع آموزش زبان فارسی به چه صورت است. تردید نیست که آموختن این زبان از سوی خارجی‌ان راه ایران‌شناسی را به روی